

## اعلام مواضع

### اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان

#### در خصوص انتخابات مجلس هفتم (۱)

دانشجویان ، دانش آموزان و هم میهنان گرامی ،

« جوامع دموکراتیک و آزاد ، لازمه برقراری دموکراسی را ، سپردن سرنوشت نهائی به دست مردم از طریق مراجعه به آراء عمومی می دانند . » ویژگی حرکتی دموکراتیک ، که نظام جمهوری اسلامی آن را صرفا به دید یک نقش تزئینی ، برای اعلام پشتیبانی می نگرد .

در حالی که امروزه بیشتر دولتها بر این پایه ظهور و سقوط می کنند که چگونه و به چه میزان می توانند اقداماتی برای حضور پر رنگ مردم در جهت سازندگی و اداره امور کشور انجام دهند ، عناصر قابل رویت قدرت در ایران ، رویه رایج در انتخابات را با معیارهای غیر دموکراتیک خود منطبق ساخته اند . مشخصه ای که از همان صبح پیروزی و بیش از دو دهه گذشته نشان بارز یک تمرکز قدرت غیر مردمی بوده است .

از آنجا که در ایران امروز بی ثباتی سیاسی امری متداول گشته و ناهمسانی و عدم کفایت از سوی نهادهای حکومتی منافی مقاصد عالیه تمامی ملت ایران است ، تشکل دانشجویی فوق همچون گذشته فارغ از هر گونه مراتب اغماض لازم به ذکر نکاتی چند است :

۱- در ابتدا روی سخنمان با آنانی است که وجود آزادی را در جامعه یا درک نمی کنند و یا بلکه لازم نمی بینند . افرادی که رفاه اقتصادی را ارزش ملی خود می پندارند و مصائب اقتصادی را پیوند یافته با نابسامانی سیاسی ایران نمی بینند .

نیک است با تصدیق این امر آغاز کنیم که مشکلات جامعه ایرانی عمدتا به معضلات اقتصادی و نا برابری توزیع در آمد یا ثروت مربوط می باشد . طبق قانون ناقص اساسی ، شهروندان جامعه ایران فرصتهای برابری برای تصدی تعداد زیادی از مشاغل پر اهمیت ندارند برای مثال عضویت در نهادهایی همچون تشخیص مصلحت نظام ، شورای نگهبان ، مجلس خبرگان رهبری ، شورای عالی قضایی و دیگر نهادهای

مشابه از این دست هستند . ( قابل توجه است که این نهادهای انتصابی در تمامی موارد بر عضویت افراد در نهادهای انتخابی نظارت بلامنازع دارند .) توزیع نامساوی فرصت های تصدی چنین مشاغل حساس و کلیدی که بی تردید بر روی توزیع قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی موثر است ، نمی تواند بر توزیع درآمد و ثروت ملی موثر نباشد بلکه می توان ادعا کرد این نهادها در پیوند با توزیع منزلت اجتماعی ، قدرت سیاسی و درآمد اقتصادی نهادهای انتصابی نقشی فائده دارند . تصدی مشاغل انتصابی از دو مجرا بر توزیع درآمد در جامعه تاثیر گذارند اولاً به طور مستقیم با در اختیار قرار دادن مشاغل و پستهای حکومتی در اختیار تعداد معدودی از وابستگان به نظام که هر یک همزمان دارای مناصب گوناگون تصمیم گیری و اجرائی هستند و دوماً با تاثیر بر توزیع قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی مجدداً بر روند توزیع ثروت و درآمد ملی موثر واقع می شوند .

هموطنان گرامی ، در حالی شاهد سیاستهای تک روانه نظام حاکم و انحصار قدرت و ثروت هستیم که شکاف طبقاتی در میان لایه های گوناگون درآمدی و شهروندان ایرانی همچنان ادامه دارد . طبق آمار منتشر شده قشر فقیر ایران جزء فقیرترین اقشار فقرای جهان هستند و همچنین ایرانیان از میزان بالای اعتیاد و افسردگی در میان جوانان ، سوء تغذیه ، قدرت تولید پائین ، کمبود منابع اشتغال و توزیع شدیداً نابرابر ثروت در رنجند . در چنین شرایطی حاکمیت کنونی برای حفظ موقعیت اقتدار خویش ، حیثیت و دیگر ارزشهای حیاتی خود که منشاء منافع گروهی و شخصی دارد ، بیش از رفاه اجتماعی و منافع ملی اهمیت قائل است و هنگامی که ارزشهای دسته نخست از سوی منتقدین و مخالفین در تعارض با یکدیگر قرار می گیرند مجبور به استفاده از تاکتیک های سرکوب می گردد .

نکته مهم آن که با دو قطبی شدن نظام حاکم در سال ۷۶ نیز، نه تنها هیچ کوششی در جهت محدود ساختن نهادهای انتصابی و ابزار اعمال قدرت صورت نگرفته بلکه اکثر اختلاف های دو طیف قدرت طلب نوعاً به سازش منجر می شود و آثار زیان آور این سیاست منفعت طلبانه اکثریت مردم ایران را به ورطه تنگ دستی کشانده و استمرار تنزل جایگاه ایران در اقتصاد جهانی و کاهش درآمد سرانه کشور و ملت را موجب گردیده است . با دلایل نقل شده در بخش اول حضور ضد مردمی نهادهای انتصابی ای همچون شورای نگهبان دور نمای هیچ تغییر چشمگیری را در اوضاع اقتصادی کشور میسر نمی سازد .

۲- این نکته حائز اهمیت است که در چند سال گذشته تبعیض و نقض حقوق بشر بندرت در پس پرده پنهان مانده و غرض ورزان به ظاهر مذهبی در قوانین ناقص مدنی و قضایی نابرابری و اجحاف را به طور فزاینده ای رواج داده اند . این در حالی است که اعلامیه سازمان حقوق بشر ، حقوق انسانها را برای تمامی افراد صرف نظر از جنس ، رنگ ، نژاد ، ملیت یا مذهب و یا هر وضعیت دیگری به رسمیت

شناخته است. در ایران امروز قوانین خود ساخته ای که به اقتضای خلق و خوی سنت پرستان در مظان اتهام قرار دارد، زمینه مشترکی را برای احساس رنجش و آزرده‌گی همگان فراهم آورده است که در زیر به بخش مختصری از قوانین تبعیض آمیز در ایران اشاره می‌کنیم.

الف - ماده ۱۹ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند: هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و جمعتهای مسالمت آمیز شرکت جوید هیچ کس را نمی‌توان وادار ساخت به حزبی بپیوند. هرکس آزاد است هر عقیده ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و این حق شامل پذیرفتن هر گونه رأی بدون مداخله اشخاص می‌باشد و می‌تواند به هر وسیله که بخواهد بدون قید و محدودیت به حدود جغرافیایی، اخبار و افکار را تحقیق نماید و دریافت کند و انتشار دهد. اما در ماده ۵۰۰ قانون مجازاتهای اسلامی بخش جرایم ضد امنیتی هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نمایند به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ( قابل ذکر است تشخیص اتهام نقل شده بدون مستندات، با عناصری همچون مرتضوی، حداد و موحد است که خصلت غیر انسانی خود را بارها به نمایش گذارده اند.)

ب - ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر اعلام می‌دارد هر کس حق دارد با استفاده کامل از تساوی حقوق با دیگران، دعاوی او در یک دادگاه مستقل و بی طرف عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقوق و تعهدات او، یا صحت هر گونه اتهام کیفری که به او متوجه باشد حکم دهد. در حالی که اکثر موارد مربوط به اتهامات سیاسی و عقیدتی بدون حضور وکیل و هیئت منصفه پیگیری می‌شوند و قاضی دادگاه به عنوان نماینده حاکمیت اقدام به صدور رأی می‌نماید.

ج - بند اول اول ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند که هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هیچ گونه محدودیت از نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی به هنگام انحلال آن زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند، اما در ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی آمده است نگاه مسلمه با غیر مسلمه جایز نیست. یعنی در قانون خود ساخته مدنی، زنان مسلمان از حق ازدواج با مرد غیر مسلمان به دلایل مذهبی منع شده اند. در حالیکه چنین محدودیتی در زمینه ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان وجود ندارد.

د - به موجب ۱۱۳۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد مرد می‌تواند هر وقت که زنش بخواهد زن خود را طلاق دهد، طلاق قانونا در اختیار شوهر است. اگر مردی بخواهد زنش را طلاق دهد باید به دادگاه مراجعه کند و دادگاه با انتخاب داور یا داورانی سعی در سازش بین دو زوجین می‌کند و در صورتی که

زوج اصرار به طلاق داشته باشند و حاضر به سازش نباشند دادگاه اجازه طلاق را خواهد داد . در حالیکه چنین حقی در قوانین درج شده از سوی محافظه کاران ، برای زنان در نظر گرفته نشده است و زنان در موارد بسیار محدود و به سختی می توانند طلاق بگیرند . مطمئنا قوانین ذکر شده در قانون مدنی و دادن حق طلاق به مردان باعث تزلزل پایه های زندگی و اجحاف در حقوق زنان و مخالف بند اول ماده ۱۶ حقوق بشر می باشد . روشن است نکات یاد شده بخش بسیار مختصری از نشانه های تعارض و تقابل مردم در برابر قوانین حاکم است .

اهمیت قضیه در این است که علیرغم فشارهای بین المللی و اعتراضات مردمی همچنان روند استفاده از قوانین به ظاهر اسلامی برای اجحاف در حق مردم مورد استفاده قرار می گیرد و بطور معمول قوانین اساسی نیز ( به خصوص بخش حقوق ملت ) با روح کلی آن متفاوت است .

هر چند چهار سال قبل نمایندگان عمدتا اصلاح طلب راهی مجلس شدند ولی چه شد ؟ آیا غیر از این است که هنوز مشکلات قضایی ، اجتماعی و سیاسی به مردم چنگ و دندان نشان می دهند ؟؟

در حالی مردم در تجمعات و اعتراضات خود دائم هزینه های رفتن به بازداشتگاه و زندان را می پردازند ، آقایان به ظاهر اصلاح طلب نه تنها برای شرایط موجود توضیح مناسبی ندارند بلکه همراه با طیف دیگر حکومت دائم به نعل و میخ می کوبند . معهذا تا زمانی که دو طیف قدرت طلب معتقد است که می تواند به اهدافش ( حتی اگر به سبب مقاومت شدید ، اندکی تغییر یافته باشد - دست یابد . ) احتمال یافتن راه حل وجود ندارد . لذا شرکت نکردن در انتخابات ، گسترش اعتراضات ، نداشتن اشتراک مساعی بانهادهای دولتی و زیر سؤال بردن مشروعیت خارجی از سوی ایرانیان مقیم خارج ، مانعی جدی برای جلوگیری از پیشبرد اهداف زورمداران است .

۳ - دانش آموختگان ، دانشجویان و دانش آموزان گرامی ، شئون ملی ایران باید به دست ملت ایران باشد نه به دست ۱۲ نفر اعضای شورای نگهبان . ( دلیل وجودی شورای نگهبان مغایر و منافی حقوق انسانی ایرانیان است زیرا محدود کننده حق تعیین سرنوشت افراد می باشد و اداره امور کشور قبل از آنکه به اتکاء آراء عمومی باشد با نظر شورای نگهبان صورت می گیرد . ) استفاده کردن از ابزارهای محدود کننده ای چون نظارت استصوابی از حضور فعال مردم در تغییر چیده مان نهادهای مدنی نسبت به حلقه های قدرت جلوگیری می کند . « احراز درستی و صحتی امر در مورد صلاحیت نامزدین انتخابات از شورای نگهبان برابر است با انتفاء برخورداری از یک حق سیاسی ، برابر است با اینکه محرومین از حضور در رقابتهای انتخاباتی حقی که در تمامی اسناد راجع به حقوق شر و در قوانین اغلب کشورها به عنوان نیازی قابل تعرض عنوان شده محروم بمانند . » در چنین شرایطی دو طیف قدرت طلب حاکم اظهار می دارند

تنها « مصالح عالیله ملت بر رفتار سیاست گذاران حاکم است ، در حالی که نقش سیاست تصرف قدرت را ، در کنار گذاشتن منافع ملی و مردم نادیده گرفته اند.

در همین حال مجلس شورای اسلامی به زعم لفاظی های طیف به ظاهر اصلاح طلب که اکثریت کرسی های مجلس را نیز دارا هستند همچنان بر استمرار سیاستهای قیم مأبانه تأکید دارند و در چند روز گذشته ماده ۱۱۹ آیین نامه داخلی مجلس را به تصویب رسانده اند . طبق این آیین نامه ، نمایندگان مؤظفند حتی اگر هیچ یک از نامزدین شورای نگهبان حد نصاب لازم برای حضور در این شورا را کسب نکنند بالاخره یکی از نامزدین به عنوان حقوقدان برگزیده شود. ( لازم به ذکر است آیین نامه مذکور مربوط به شش نفر نامزدین حقوقی از سوی قوه قضائیه می باشد .)

هم میهن گرامی ، شرایط حاکم به تشریح این امر یاری می دهد که آنچه مرزهای نظام کنونی را از دولتهای دموکراتیک متمایز می سازد ، مرادوات بین دو قطب خواستار قدرت است که اغلب با منافع گروهی ، فرقه ای و شخصی رابطه ای مستقیم دارند . لذا رویه رایج در دوره های گذشته انتخابات به هیچ وجه با معیارهای دیگر کشورهای دموکراتیک منطبق نبوده نیست و همکاری و شرکت کردن در انتخابات به معنای عاقل و بالغ ندانستن مردم و تشریک مساعی با حرکات ضد مردمی نهادهای انتصابی است .

۴ - در حالی که رسانه های داخلی اعم از شبکه های تلویزیونی با حرارت زاید الوصفی مشغول فراخواندن مردم به پای صندوقهای رأی هستند ، فعالین سیاسی و دانشجویی در موجی از تعقیب و توقیف روئیده می شوند و قوه قضائیه در راه چیرگی بر ملت ، ایران را از بیداد پر کرده است .

( تعطیلی روز افزون نشریات ، بازداشت فعالین سیاسی ، اعدام و شکنجه مخالفین ، تهدید، ارعاب و اخراج دانشجویان ، ... ) جنبه های مهمی از عملکرد نهاد قوه قضائیه می باشد . وجه مشترک همه این موارد وجود قصد یا هدفی است که اساساً تصویری از حالت آتی امور به نفع سیستم غیر مردم ولایت فقیه به دست می دهد و نظام حاکم مایل است که با زیر فشار گذاشتن مخالفین و تداوم بخشیدن به روند سانسور رسانه های جمعی و نفوذ گذاری در سیاست دول خارجی ، مقاصد غیر مردمی خود را متحقق سازد .

نکته مهم تر آنکه در چنین شرایطی که رویارویی های سیاسی مابین مردم آزادیخواه ایران و حاکمیت مطلقه خواه افزایش داشته « یعنی از زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ و هشدار تشکل های مستقل دانشجویی و اعتراضات مستمر آنها » ، مسائل بنیادین موجد بر خورد ، حل نشده اند و همچنین نشانه ای در دست نیست که این مسائل و معضلات ، در طول زمان نیز از میان بروند . بنابراین مناسبات قشر فراگیری

از دانشجویان و حاکمیت کنونی همچنان عنصر مهم معارضة را در بر دارد . در هر حال گرایش به استقرار سرکوب با قوانین نافی حقوق ایرانیان باعث گردیده که نتیجه گیریهای علمی و واقع بینانه ای در مورد نبود ظرفیت اصلاحات در نظام کنونی ، شکل بگیرد . لذا اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان ایران به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی ، هرگونه برگزاری انتخابات در شرایط نا برابر سیاسی را فاقد مشروعیت اعلام میدارد و تحریم و شرکت نکردن در انتخابات را راه حلی مناسب به منظور زیر سؤال بردن مشروعیت نظام و تحمیل اراده ملت قلمداد می کند .

قابل توضیح است مسئله اصلی در ترکیب دادن یک راه حل مبتنی بر اعتراضات گسترده و تحریم مناسب و تشریفات دولتی آن است که نظام حاکم دریابد ، بهای ادامه سیاست سرکوب و زور ، بسیار فراتر از چشم پوشی و کاستن از منافع گروهی اقلیت است .

همانطور که پیشتر به اختصار توضیح داده شد ، استدلالهای متعددی در خصوص تحریم انتخابات وجود دارد که در شمارگان ۲ و ۳ بیانیه های این تشکل دانشجویی به اطلاع مردم فهیم ایران خواهیم رساند .

## اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان ایران

متشکل از : کمیته دفاع دانشجویان از زندانیان سیاسی

سازمان دانشجویان روشنفکر ایران

سازمان ملی دانش آموزان ایران